



## وقف، اهمیت و ویژگی‌های موقوفات در مدرسه تاریخی کاسه گران (حکیمیه) اصفهان



محمدحسین ریاحی\*

### چکیده

از جمله مهم‌ترین و اصلی‌ترین زمینه‌ها در توسعه مراکز علمی و شکوفایی نهادهای فرهنگی وجود وقف در آن بوده است. اگرچه اوقاف در ادوار ایران باستان هم مورد توجه بوده است اما در دوران اسلامی موضوع وقف رشد قابل توجهی داشت و این مسئله در مدارس و مؤسسات آموزشی و علمی بسیار تأثیرگذار و تعیین کننده بود. باید اذعان کرد اصفهان عصر صفوی در این راستا برجسته و خیره کننده است. هرچند این شهر در ازمنه تمدن اسلامی خاصه عصر آل بویه و دوره سلجوقی هم درخشندگی داشته و علاوه بر مرکزیت حکومتی و سیاسی دارای تأسیسات بسیار فرهنگی و اجتماعی بوده است. حضور بسیاری از اقشار جامعه و اصناف و نیز صاحب منصبان و شخصیت‌های اجتماعی، دینی، اقتصادی و سیاسی در امور خیر و اوقاف در اصفهان عصر صفوی محسوس و قابل اعتنا است. ایجاد پشتوانه‌های مؤثر در احیاء، استمرار و تقویت نهادهای آموزشی در این زمینه قابل توجه است.

پژوهش حاضر به حضور تأثیرگذار شخصیتی دانشمند و صاحب منصب و یکی از پزشکان برجسته ایران اسلامی اواخر دوران صفوی در ایجاد مرکزی علمی و نهادی آموزشی اشاره دارد. چرا که سید محمد مهدی طباطبایی اردستانی معروف به حکیم الملک با اموال و یا ثروتی که به وسیله لیاقت و استعدادش به دست آورده بود زمینه کارهای خیر و ایجاد مکان‌های عام‌المنفعه را رقم زد و هنوز پس از گذشت بیش از سه قرن ثمرات آن محسوس و مورد توجه است.

بنای مدرسه کاسه گران (حکیمیه) و موضوع اوقاف آن از جمله مسائلی است که در تداوم و استمرار فعالیت‌های آموزشی و عمرانی این نهاد آموزشی تاکنون مؤثر بوده و در این نگارش به اهمیت و میزان این موقوفات اشاره رفته است.

**واژگان کلیدی:** موقوفات، اصفهان، مدرسه کاسه گران، حکیم الملک اردستانی، وقف  
نامه، دانش‌آموختگان و مدرسین.

۱. دکتری تاریخ اسلام و استاد جامعه المصطفی العالمیه اصفهان.  
Mhr.mhrmhr@yahoo.com

## مقدمه

برخی نهادهای آموزشی و مؤسسات فرهنگی در طول تاریخ و تمدن اسلامی مؤثر و تعیین کننده بوده‌اند، در این عرصه می‌توان از مدارسی مانند الازهر در مصر، نظامیه‌ها، مستضریه بغداد و یا دارالعلم‌ها یاد نمود.

شکوفایی و تقویت فرهنگ اسلامی به ویژه علوم و معارف تشیع نیز مرهون وجود بسیاری از نهادهای آموزشی است که در طول چهارده قرن تأثیرگذاری خود را نشان داده‌اند. برخی از این مدارس یا مراکز گاهی در یک مقطع و بعضی فعالیت آن‌ها چندین قرن و یا دوره بوده است.

مدرسه کاسه گران یا حکیمیه از جمله نهادهای آموزشی می‌باشد که از زمان تأسیس یعنی از اوایل قرن دوازدهم هجری تاکنون آبادانی و استمرار خود را حفظ کرده و از شاخص‌ترین مراکز آموزشی اصفهان در ترویج علوم به ویژه دانش‌های دینی و حوزوی به شمار آمده است. بانی یا واقف این مدرسه که خود از نخبگان عصر خود محسوب شده سعی بر آن داشته تا با وضع و قرار دادن ثروتی بسیار و قابل توجه به عنوان موقوفه در تداوم و تقویت پیشبرد اهداف متعالی نهاد آموزشی مذکور نقش داشته باشد. وی (حکیم الملک) که در دربار اورنگ زیب پادشاه تیموری هند می‌زیسته و از اطبای بزرگ عصر خویش محسوب می‌شده، چون در هندوستان ثروت هنگفتی نصیبش گردید دستور داد که نمایندگان در اصفهان و اردستان ضیاع و عقار و مستغلاتی بخرند و پس از فراغت از این کار آنان را به ساختن مدرسه کاسه گران امر کرد و بعد از اتمام بنای مدرسه در شوال (۱۱۰۴ ق) مقداری از رقیات خریداری شده را وقف بر مدرسه نمود. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۴۸۷) در مقاله حاضر ضمن معرفی مختصری از شخصیت بانی یا مؤسس مدرسه کاسه گران یعنی سید محمد مهدی حکیم الملک اردستانی<sup>۱</sup> و جایگاه و موقعیت او، به وضعیت، ساختار و معماری این نهاد آموزشی پرداخته و به اختصار نیز برخی از دانش‌آموختگان آن معرفی شده‌اند.

موضوع اوقاف مدرسه کاسه گران (حکیمیه) از جمله ویژگی‌های وقف نامه مدرسه، متن

۱. نسب حکیم الملک اردستان چنین است: امیرمحمد مهدی حکیم الملک ابن میر آقا بیک بن میر یحیی بن میرحسین بن سید روح الله بن سید رضی بن سید حسین بن سید روح الله بن سید مرتضی علی بن سید روح الله بن سید قوام‌الدین بن سید ابوالشجاع بن سید علی بن سید عباد بن سید حسن بن سید احمد بن سید حسین بن سید علی بن سید محمد بن سید احمد بن سید محمد بن سید احمد بن سید ابراهیم طباطبای بن سید اسماعیل بن سید ابراهیم بن سید حسن المثنی ابن الامام حسن (رک: تاریخ (آتشکده) اردستان، بخش اول، ص ۶۳)



وقف نامه مدرسه، حاشیه وقف نامه، رقبات موقوفه، مصارف وقف، تولیت و تنفیذکنندگان وقف نامه و برجستگی از دانش آموختگان و مدرسین مدرسه از جمله مهم ترین و اصلی ترین بخش های این نگاشته را شکل می دهد.

یکی از نهادهای آموزشی مهم در اواخر عهد صفوی مدرسه کاسه گران است. این مدرسه را به دلیل این که آن زمان در محله کاسه گران اصفهان واقع در بازار ریسمان میدان کهنه اصفهان قرار گرفته بود کاسه گران نامیدند. و نیز به جهت این که بانی بنای آن سید محمد مهدی طباطبایی اردستانی معروف به حکیم الملک بوده است به «حکیمیه» اشتها یافت و اتفاقاً در وقف نامه مورخ ۱۱۰۴ ق نیز به «حکیمیه» اشاره شده است.

آنچه از برخی منابع و متون مربوط به تاریخ و فرهنگ اصفهان به دست می آید این که پیش از احداث مدرسه مذکور در اینجا، خرابه های مدرسه های قدیمی که در یکی از ادوار قبل از صفوی یعنی عصر ایلخانی بنا شده بود به نام مدرسه شمسیه نامیده اند. به نقل از کتاب «دارالعلم شرق» گمان می رود که آن مدرسه های ویرانه بوده که سید شمس الدین محمد یزدی از صاحب منصبان و شخصیت های قرن هفتم هجری بانی آن بوده است و چون تبدیل به مخروبه گردیده بود حکیم الملک اردستانی با صلاح دید و تصویب مراجع وقت به تجدید بنای آن پرداخت. (مهدوی، ۱۳۸۶: ۱۷۳)

مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در کتاب «تاریخ اصفهان و ری» درباره حکیم الملک اردستانی و همسرش (زینب بیگم) و بنای دو مدرسه کاسه گران و نیم آورد آورده است: «حکیم الملک در هند مطبی نزدیک قصر اورنگ زیب، پادشاه هندوستان گرفته بود؛ و اتفاقاً دختر شاه مریض شد. اطبای هند از معالجه او عاجز می شوند تا اینکه حکیم الملک موفق به معالجه او می شود و پادشاه هند به خاطر قدردانی از حکیم الملک، جواهر بسیاری به او می بخشد. حکیم الملک در مراجعت به اصفهان این مدرسه را بنا نهاده است». (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۳۰۶)

کتاب «اطبای عهد مغول» موضوع معالجه و منزلت میرزا محمد مهدی حکیم الملک اردستانی را در دربار پادشاه هند گونه ای دیگر نقل کرده است و می نویسد: این حکیم مشهور از اهالی اردستان بود. وقتی اورنگ زیب بهادر از دکن به سوی آگرا حرکت کرده حکیم میر محمد مهدی نیز همراه وی بود. اورنگ زیب به وی منصب یک هزاری عطا کرد. سپس به تدریج ترقی کرد و خطاب یا عنوان «حکیم الملک» را به دست آورد. پس از آن در سال یازدهم سلطنت عالم گیری به حکیم الملک منصب دو هزاری عطا شد. هنگامی که

شاهزاده محمد اعظم شاه به بیماری استسقاء مبتلا شد، شدت بیماری به اندازه‌ای بود که آستین با عرض چهارده گره برایش تنگ شد. پهنای پیژامه نیز به یک گز و شش گره رسید. در سی و هفتمین سال پادشاهی اورنگ زیب، حکیم الملک را برای درمان شاهزاده فرستادند. پادشاه تخت روانی را برای حمل شاهزاده فرستاد. هنگامی که شاهزاده به خدمت پادشاه آمد، وی به علت محبت بسیاری که نسبت به فرزند خود داشته خیمه‌ای برای او در مجاورت خود برپا کرد و هر روز به دیدن او می‌رفت. حکیم الملک در میان راه به معالجه شاهزاده پرداخت و پس از رسیدن به مقصد نیز معالجه را در آنجا ادامه داد. در این مدت حکیم با چنان مهارتی به معالجه پرداخت که شاهزاده سلامتی خود را بازیافت. پس از به دست آوردن تندرستی، شاهزاده منصب حکیم را به ۴ هزاری افزایش داد. (چاندپوری، ۱۳۹۲: ۱۸۷)

به هر حال آنچه مسلم است با توجه به موقعیت و جایگاه حکیم الملک و این گونه رخدادهای منزلت سید محمدمهدی حکیم الملک طباطبایی اردستانی در دربار پادشاه تیموری هند ارتقاء یافت. وی با انتقال برخی اموال خود به اصفهان در این شهر و نیز زادگاه خود (اردستان) منشأ خیرات و برکاتی گردید که یکی از آن‌ها ایجاد نهادی آموزشی بود، که از زمان تأسیس تاکنون همواره یکی از مدارس پربرکت اصفهان در تعلیم و تربیت و پرورش دانشمندان و اهل علم بوده است. (ریاحی، ۱۳۸۵: ۱۸۹-۱۹۰)

همان طور که آمد، بنای این نهاد آموزشی در بازار بزرگ اصفهان و نزدیک میدان قدیمی شهر است که با تغییرات بسیار این میدان امروزه به نام میدان امام علی نامیده می‌شود. مدرسه کاسه گران در اواخر عهد سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) و به سفارش مالی حکیم الملک اردستانی (سید محمدمهدی طباطبایی) احداث گردیده است. (ایمانیه، ۱۳۵۵: ۱۱۱-۱۱۳)

کتیبه سردر مدرسه مورخ ۱۱۰۵ ق است ولی کتیبه ایوان غربی بنا دارای تاریخ ۱۱۰۳ ق می‌باشد. مساحت آن به ابعاد ۴۱ × ۴۱ متر است و با طرح دو ایوانی ساخته شده و دارای تأسیسات ورودی، صحن، دو ایوان اصلی، حجره‌هایی در دو طبقه و مدارس می‌باشد. مدرسه از دو طرف به بافت شهری پیرامون خود پیوسته، اما تنها جبهه جنوب غربی آن که مجاور بازار است دارای سردر و نماسازی است. سردر ورودی مدرسه در این قسمت با کاشی کاری تزیین شده و از طریق هشتی بزرگی به ایوان و سپس صحن مدرسه راه پیدا می‌کند. تزیینات این قسمت شامل کاشی کاری معرق و هفت رنگ، تلفیق آجر و کاشی، مقرنس



کاری و کتیبه می‌شود. بخش تحتانی با تلفیقی از آجر و کاشی در طرح‌های خطوط کوفی بنایی و طرح‌های ساده گره، تزیین شده است. (ریاحی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۹۵)

کتیبه‌ای نیز از جنس کاشی معرق در یک قاب مستطیل شکل، درست در بالای چارچوب سنگی ورودی قرار دارد که به خط کوفی بنایی سفید بر زمینه آبی فیروزه‌ای آراسته شده است. بخش فوقانی دارای پنجره چوبی است که روشنایی پستوی حجره روی هشتی را تأمین می‌کند. بین کتیبه اصلی سردر و قطار زیرین مقرنس‌ها، طاق‌نما و نغول‌های تزیینی قرار دارد که سطوح آن‌ها با آجر روکش شده است و در میان هر یک، دو کتیبه کوفی بنایی از جنس کاشی به صورت معرق نصب کرده‌اند. تزیینات مقرنس سردر نیز با آجرهای آب ساب سه سانتیمتری روکش شده و سطوح پرک‌ها، تخته شمشه‌ها، ترنجی‌ها و پنج‌پری‌های آن، با کاشیکاری معرق پرکار و ظریف آراسته شده است. دو پشت بغل، نمای سردر نیز کاشیکاری است. دور تا دور حاشیه سردر نیز کتیبه‌ای به خط کوفی بنایی و رنگ لاجوردی، بر زمینه سفید نوشته شده است. اکثر کتیبه‌های سردر محتوایی دینی دارند اما کتیبه تاریخی و اصلی بنا نشانگر آن است که مدرسه را حکیم الملک در زمان شاه سلیمان صفوی - سال ۱۱۰۵ ق - ساخته است. خط کتیبه به قلم «عبدالله رجال» است. عباراتی که در میان تزیینات سردر نوشته شده عبارت است از: «عمل ابن استاد علی بیک محمد مؤمن بناء اصفهانی» و «سرکاری سیادت و فضیلت پناه ابن محمد محسن الحسینی المشهدی». (ملازاده، ۱۳۸۱، ج ۵: ۵۸؛ هنرفر، ۱۳۵۰: ۶۵۲ - ۶۵۳)

پس از درگاه ورودی، هشتی قرار گرفته که فاقد عملکرد اصلی خود یعنی تقسیم مسیر به دو یا چند مسیر مختلف می‌باشد و طراحی آن در مجموعه را می‌توان با هدف تأمل در ورود و با شکوه نشان دادن مسیر ورودی، توجیه کرد. در اضلاع این هشتی طاق‌نماها و سکوه‌های سنگی برای نشستن تعبیه شده است. (ملازاده، ۱۳۸۱، ج ۵: ۵۸)

صحن مدرسه به شکل مربع مستطیل و به ابعاد  $۲۱ \times ۲۲/۵$  متر است که زوایای آن برای تعبیه ایوانچه و درگاه‌هایی، پخ شده است. در میانه این صحن حوضی و در کنار حوض محوطه‌ای باغچه‌کاری شده قرار داد. در میان اضلاع کوچکتر صحن ایوانی تعبیه کرده و در بخش‌های دیگر تعداد ۶۰ حجره با ایوانچه‌ای در قسمت جلو، ساخته‌اند. از این حجره‌ها ۳۰ عدد در طبقه همکف و ۳۰ عدد دیگر در طبقه فوقانی قرار دارد (در سال‌های اخیر دو حجره تغییر کاربری یافته است). تعدادی از حجره‌ها، در قسمت عقب دارای پستوی یا انباری می‌باشند. راه دسترسی به حجره‌های طبقه فوقانی از طریق دالان‌های باریکی به

عرض یک متر است که مدرسه را به جزء در محل ایوان‌ها دور می‌زند. (ملازاده، ۱۳۸۱، ج ۵: ۵۸)

ایوان اصلی مدرسه در قسمت شمال شرقی قرار گرفته و ۶ متر عمق دارد و با یک طاق آهنگ و نیم گنبدی در قسمت خلفی، پوشش یافته است. دو دیواری که ایوان را از حجره‌های طرفین تفکیک می‌کنند، ساده و بدون تزیین است ولی پشت بغل‌ها با تلفیقی از آجر و کاشی و نقوش گره تزیین شده‌اند. این کاشی‌ها در رنگ‌های آبی لاجوردی و فیروزه‌ای، سیاه، سفید و زرد هستند. بخش داخلی ایوان تا قسمتی از اسپرها که مهمتر از طبقه فوقانی است، در دو ردیف با نغول و طاق‌نما سازی تزیین شده است. این طاق‌نماها در بخش داخلی طاق و پشت بغل‌ها با طرح‌های متنوعی از آجر کاری آراسته شده‌اند. پوشش ایوان در بخش انتهایی با نیم گنبد اجرا شده و با مقرنس کاری تزیین شده است. جنس مصالح در مقرنس‌ها، آجر آب ساب و کاشی‌های معرق و منقوش به کتیبه‌های کوفی بنایی است. بر قسمت میانی بدنه ایوان، بر دو اسپر شمالی و جنوبی کتیبه‌ای به صورت گچبری ایجاد شده است. کتیبه‌های ایوان محتوای دینی داشته و تاریخ آن‌ها ۱۱۰۳ ق می‌باشد. کتیبه اصلی ایوان به قلم «جعفر بن عبدالله» می‌باشد. (هنرفر، ۱۳۵۰: ۶۵۴ - ۶۵۶؛ ملازاده، ۱۳۸۱، ج ۵: ۵۸)

ایوان جنوب غربی بنا از عمق کمتری برخوردار است. (۲/۵ متر) و در پشت آن هشتی ورودی قرار دارد. نمای این ایوان شامل یک طاق جناغی و یک قاب مستطیل شکل است. دو دیواری که قاب ایوان را تشکیل می‌دهند، ساده و بدون تزیین هستند. ولی پشت بغل‌های ایوان - همانند ایوان ضلع مقابل - با تلفیقی از آجر و کاشی، با نقوش گره تزیین شده است. داخل طرح‌های گره اختری را با کلمات «الله» و «محمد» به خط کوفی بنایی، مکتوب نموده‌اند. پوشش ایوان متشکل از یک نیم گنبد مقرنس کاری شده است. نمای داخلی ایوان در میانه با کتیبه کمربندی خط ثلث، تزیین شده است. کتیبه محتوای دینی دارد. (ملازاده، ۱۳۸۱، ج ۵: ۵۸)

پوشش مقرنس و گچی ایوان با استفاده از رنگ و نقاشی تزیین شده است. در اسپر ایوان و در دو قاب مستطیل شکل، به خط ثلث مشکی عبارت‌های زیر خوانده می‌شود: «عمل ابن استاد اسمعیل بنا»، «محمد ابن ابراهیم الاصفهانی ۱۱۰۳» و «عمل ابن استاد اسمعیل بنا محمد ابن ابراهیم الاصفهانی ۱۱۰۳». بر روی ایوان جنوب غربی یک مأذنه چوبی تعبیه کرده‌اند که در بخش سر ستون‌ها دارای تزیینات مقرنس است. سقف هرمی شکل



مأذنه پس از یک زیرسازی چوبی در بخش بیرونی با کاشی‌های خشتی فیروزه‌ای پوشش یافته است. (ملازاده، ۱۳۸۱، ج ۵: ۵۸)

مدرسه کاسه گران (حکیمیه) اکنون نیز دایره و طلاب و اهل علم در آن سکونت دارند و جزو مدارس جامعه المصطفی العالمیه اصفهان می‌باشد. این نهاد آموزشی همواره محل رشد و نمو شخصیت‌های ارزشمند علمی و ادبی بوده است؛ از جمله آنان می‌توان از هنرمند نامور در عرصه خوشنویسی «درویش عبدالمجید طالقانی» شاعر توانا «سید حسن طباطبایی معروف به مجمر»، «حکیم متأله میرزا ابوالحسن جلوه» و فقیه ممتاز عصر قاجار «میرزا ابوالحسن چاپلوقی معروف به میرزای قمی» یاد نمود. همچنین در دوره اخیر افرادی مانند «سید محمد محیط طباطبایی» و «میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی» مؤلف کتاب «مکارم الآثار» در این مدرسه درس و بحث و اقامت داشته‌اند. (ریاحی، ۱۳۸۵: ۱۹۰)

وقفیات این نهاد آموزشی قابل توجه بوده و مشتمل بر املاک، باغ‌ها، مزارع و زمین‌های ساده بوده است که در اصفهان و نواحی آن مانند اردستان قرار داشته است، از جمله آن‌ها تعدادی از دکان‌های اطراف مسجد جامع اصفهان می‌باشد که هنوز هم جزو موقوفات این مدرسه به شمار می‌رود. با توجه به مسائل مربوط به وقف مدرسه کاسه گران و اهمیت آن در این بخش از مقاله به موضوعات مربوط به اوقاف آن اشاره می‌گردد. مدرسه کاسه گران به عنوان یکی از آثار نفیس ایران به موجب تصویب نامه شماره ۳۸۶ در تاریخ ۱۳۳۴/۱۱/۱۱ به ثبت تاریخی رسیده است. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۴۹۳)

ویژگی‌های وقف نامه مدرسه کاسه گران

از این وقف نامه یک نسخه عکسی از روی اصل وقف نامه به شماره ثبت ۱۷۳ در قسمت بایگانی اداره کل اوقاف اصفهان موجود است که در نگارش نیز از همین نسخه استفاده شده است.

واقف این مدرسه «امیر محمد کیا» معروف به حکیم الملک اردستانی (جابری انصاری، ۱۳۲۶: ۶ - ۷) است که در سال ۱۱۰۴ ق این مدرسه را گویا بازسازی کرده و املاک و مستغلات زیادی بر آن وقف نموده است. نام‌های دیگر مدرسه بنا بر آنچه در وقف نامه آمده چنین است: «مدرسه معینه سنیه موسوم به مدرسه حکیمیه مشهور بین جمهور العوام به مدرسه شمسیه و کاسه گران واقعه در میدان ایلچی‌خان دار السلطنه اصفهان...».

## قسمتی از وقف نامه مدرسه کاسه گران

هو الواقف على الضمائر

عُرر و دُر حمدی که پرتو انوار آن، مزارع فؤاد نکته سنجان «فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وُقُودًا» را منور سازد و حکیم... است که مزرع فانی «الدنيا مزرعة الآخرة...» را قرارگاه اهل الله ساخته، و قُری و مزارع آن را وقف ارباب شهود و عرفان فرمود تا هر واقفی که در مزارع پنهان بذر احسان افشاند و به آب ولای «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوْحٍ» شرب آن نموده، حدیقه آمال را نهال به حُسن عمل مغروس سازد، و رِیع «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» برداشته، ثمره «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» بچینند.

علیمی که عقل روشن ضمیر را برای تدریس مدرّس وجود مقرر داشته، و وظیفه هر یک از راتبه خواران خوان انعامش را از وجه مقرر معین و برقرار گردانید.

و درود نامعدود بر روضه مقدسه شهريار کشور رسالت، مهر سپهر نبوت و جلالت، فرمانده جاده شریعت، متولی مدرسه کاینات، واقف مواقف محکّمات، سیدی که از میامین ذات با برکاتش طغرای غزای «اليوم أكملت لكم دينكم» به منشور دین کشیدند، و از مآثر فیض مظاهرش «رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ» بر صفحه ملت زهرا نهادند.

ای کرده خاک پای تو با عرش همسری ختم است بر کمال تو حکم پیمبری و بر آل هدایت مآل او که اعلام و احکام شرع مبین و انتظام قواعد دین متین بین الخلائق برافراشته از ایشان است - صلوات الله عليهم أجمعين - أولهم علی و آخرهم مهدی، که تولیت این بقعه زرنگار و رواج و رونق آن به ذات مقدسش إلى قیام الساعة و ساعة القیام مفوض و مرجوع است - و سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا مَبَارَكًا أَبَدًا.

و بعد بر رای رزین و فکر دوربین هوشمندان بابصارت، و خردمندان ذوفطرت و فطانت، و عالمان طریق و نایق هدایت، و رهروان جاده مستقیم کرامت و درایت، و واقفان مواقف حق و یقین، و عارفان مقاصد صدق و تمکین، مستور و محبوب نخواهد بود که پیشنهاد خاطر خطیر و مرکوز ضمیر منیر و وجهه همت علیا نهمت و نیت خیر امنیت صاحبان ثروت و غُلا، و مالکان نعمت و بها، از جمع زخارف دنیویه و جلب صرافیه صوریه، ابقای ذکر جمیل، اعطای کثیر و قلیل، و فوز به جزای جزیل، و نیل به اجر نبیل، و تقرّب ربّ جلیل است.

از جمله، در این اوقات فرخنده ساعات خجسته آیات، قائد توفیقات الهی و هادی تأییدات نامتناهی، زمام همت علیا و عنان فُصوای خدّام کرام و الامقام فرشته احترام عالی حضرت سامی رتبت مرتفع مرتبت قدسی فطرت قدوسی سبحت سیادت منقبت نقابت مرتبت افادت



و افاضت، و اقبال پناه هدايت و نجابت، و إجلال دستگاہ حقایق و دقایق و معارف، آگاه ارشاد، جامع المعقول و المنقول، مستنبط الفروع من الاصول، جالینوس الزمان، بقراط الدوران، افتخار اعظم المشاهیر، استظهار افخم جماهیر، قدوه اجلة السادات و النجباء العظام، و اعز الصنادید و الشرفاء بین الانام، نقاوه الاکابر والافاخر، مستجمع المکارم والمآثر، ذی النسب الفاخر و الحسب الزاهر والفضل الظاهر و البذل الباهر، صاحب المناقب العلیه و المناصب التهییه، مالک المراتب الجلیه و الأطوار المرضیه، جامع الاخلاق الحمیده و الاوصاف المرضیه، ناصب رایات الخیرات و التصدقات، بانی مبانی التفتقدات و التصدقات، نیر المؤمنین و المؤمنات، المستغنی ذاته الشریف عن التعریف و التوصیف - أعلى الله تعالى شأن سیادته و إقبالیه و بنیان دولته و عزته و إفضالیه على مفارق أهل الإسلام إلى قیام الساعة و ساعة القیام بحق سید الأنام - را به صوب ثواب کشید، هزباً من أیام العذاب، و فراراً من حمیم العقاب به «یوم لا ینفع مالٌ و لا بنونٌ إلا من أتى الله بقلبٍ سلیم»، از سر خلوص نیت و صفای طوییت و انشراح صدر و انفساح عقل و نفاذ تصرفات شرعیه، و کمال صحت ذات شریف و عنصر لطیف، مشعوف به صدوقه «الصدقة على ذی الرّحم»، در حالتی که جمیع اقرار شرعیه و اعترافات ملیه از آن عالی حضرت و الارتبت مشروع، و صدور عقود دینیه مجوز و مسموع بود، وقف صحیح شرعی و حبس صریح مؤبد دینی نمود بالطوع و الرغبة و الاختیار من غیر إکراه و عدوان و اجبار، متلفظاً بالصیغة العربية الشرعية المنقولة، متصدیاً بالقبض و التخلية و الإقباض على الطريقة المسؤولة، متقرباً إلى الله - تعالى - بمحض التقرب، خالیاً عن الشائبة، خالصاً مخلصاً لوجهه، طلباً لمرضاته - سبحانه - میامن حسناته و محی عنه سیئاته - بر مدرسه معینه سنیه مرسوم به مدرسه حکیمی، مشهوره بین جمهور العوام به مدرسه شمسیه و کاسه گران، واقعه در قرب میدان ایلچی خان دارالسلطنه اصفهان - صانها الله تعالى عن طوارق الحدّثان - متّصله به سوق سلطان من اسواق دار السلطنه مزبوره، که معمار خاطر قدسی مظاهر عالی حضرت واقف واقف بر أهوال یوم المواقف، تعمیر، بل مجدداً بنا و اتمام آن فرموده؛ جهت تسکین طلبه علوم دینیه وقف ساخته اند.

### مصارف وقف

۱ - مخارج تعمیر مدرسه و رقبات موقوفه برداشت گردد و سپس عشر بعنوان حق التولییه.

۱. این مدرسه توسط واقف تجدید بنا شده و موقوفاتی برای آن در نظر گرفته شده است.

۲ - سالی پانزده تومان به کسی داده شود که هم به تدریس و هم به عنوان نظارت در مدرسه اشتغال داشته باشد.

۳ - به طلاب ساکن هر حجره از حجرات مدرسه روزی پنجاه (۵۰) دینار داده شود.

۴ - به مؤذن روزی پنجاه (۵۰) دینار و فقط یک نفر مؤذن در مدرسه باشد.

۵ - دو نفر خادم در مدرسه باشد که به هرکدام روزی شصت (۶۰) دینار اجرت داده شود.

۶ - یک نفر برای چراغ روشن کردن و یک نفر آبکش به قرار روزی پنجاه (۵۰) دینار اجرت داده شود.

تنفیذکنندگان وقف نامه<sup>۱</sup>

عده‌ای از علماء و بزرگان اصفهان وقفنامه مدرسه را امضاء و تنفیذ کرده‌اند که عمده آنان چنین است:

۱ - علامه زمان آخوند ملا محمدباقر مجلسی دوم که در محرم (۱۱۰۶ ق) که مدت یکسال و چند ماه از وقوع عقد وقف گذشته بوده امضاء کرده است. سجع مهر: «محمد باقر العلوم» است.

۲ - عالم دیگری به نام ملا محمدقاسم که او نیز در (۱۱۰۶ ق) تنفیذ کرده است سجع مهرش «العبد الاثیم محمدقاسم» می‌باشد.

۳ - سید مرتضی طباطبائی از احفاد شرف الدین علی میر میران طباطبائی اردستانی که سجع مهرش: «مرتضی الطباطبائی» و عبارات تنفیذ: «اقر السید السنند الواقف الوقف المزبور لدی کتبه ابن ابوالحسن الحسنی الحسینی مرتضی الطباطبائی»

۴ - میر زین العابدین حسینی تبریزی با سجع مهر: «عبد زین العابدین» و عبارات تنفیذ:

«قد استشرفت باستماع الاقرار بما فی هذه السطور متناً و ظهراً السید السنند»، «الامیر ذی المجد الواقف باسرار الحکمة و الموفق فی الدارین للعز و المکرمة و کتبه»، «العبد الاقل میر زین العابدین الحسینی التبریزی»

۵ - امضاء و تنفیذ دیگری به نام: سید محمد الحسینی که شخصیت او معلوم نگردید.

۶ - امضای یکی از شهود مورد اعتماد به نام: حسن اردستانی که از معاریف و معتمدین اردستان بوده است.

۷ - امضای یکی از شهود وقف به نام: محمدعلی رادی.

۱. این قسمت برگرفته از کتاب آثار ملی اصفهان صفحه ۴۹۰ می باشد



۸ - امضای یکی از علمای وقت و تنفیذ آن به این عبارت: «فزت بسماع الاعتراف»، «من السید السنند الجلیل النبیل ادام الله ایام دولته و عزه و عوالبه. کتبه العبد ابن» «المرحوم احمد بن سلامة النجفی محمدابراهیم» و سجع مهر: «سلام علی ابراهیم».

از تاریخ اقرارات بخصوص در محضر مرحوم مجلسی معلوم می‌شود که واقف در سال (۱۱۰۶ ق) در اصفهان و زنده بوده است.

حکیم الملک علاوه بر ساختمان مدرسه کاسه گران و وقف رقبات مذکور بر آن موقوفات دیگری نیز در اردستان و اطراف دارد که انتفاع آن را برای سادات سید روح الله جد اعلی خود قرار داده است.

و نیز در لم لم و سماوات و حله عراق رقباتی را بر مقبره خود که در نجف اشرف واقع است وقف کرده بوده که صرف اسراج و تلاوت قرآن گردد.

مساجدی هم در مهرآباد سفلی اردستان و ماریین و نیسیان بر زاوند اردستان ساخته و موقوفاتی هم داشته‌اند که از بین رفته است. صفا‌های هم در مسجد جامع اردستان به او منسوب می‌باشد.

تا بیش از نیم قرن پیش تولیت مدرسه هم در خانواده واقف قرار داشت و از آخرین متولیان موقوفات آن مرحوم دکتر سید ارسطو علاج فرزند میرزا رشید ناظم الاطباء اردستانی بوده است.

چهره‌هایی برجسته از دانش‌آموختگان و مدرسین مدرسه کاسه گران (حکیمیه)

اگرچه شخصیت‌هایی بسیار و از زمان احداث این نهاد آموزشی (کاسه گران) در آنجا به تعلیم و تعلم پرداخته و بعضی نیز سال‌ها در آن سکونت و به امور علمی و معنوی اشتغال داشته‌اند، لیکن در این مقال، برخی از آن‌ها معرفی و به جایگاه و موقعیت آنان اشاره می‌رود:

### درویش عبدالمجید طالقانی

عبدالمجید طالقانی معروف به «درویش عبدالمجید» و متخلص به «مجید»، عالم، شاعر، خوشنویس و عارف، متولد اواسط قرن دوازدهم هجری قمری است. دنبلی، مؤلف «تجربة الاحرار» اصل او را از طالقان قزوین می‌داند. به نوشته لطفی، مجید در نوجوانی از طالقان راهی قزوین شد و به کسب علم و دانش و آموختن هنر روی آورد. پس از چند سال اقامت در قزوین راهی اصفهان شد. ورود او به این شهر با دوران پرآشوب زوال صفویه و

تسلط افغانه همراه بود؛ اما با وجود شکست صفویه و آشوب، اصفهان مرکزیت فرهنگی و بسیاری از امور اجتماعی و سیاسی را از دست نداد، بنابراین مجید در تحصیل و فراگیری خط، سرآمد شد؛ به طوری که در فن شکسته نویسی، از خوشنویسی همچون شفیعا پیش افتاد. مؤلف «تذکره شعرای تخت فولاد» به نقل از «تحفة العالم» در خصوص وضعیت معیشتی مجید چنین نوشته است: در حجره سردرب مدرسه کاسه‌گران (حکیمیه) منزل داشته، چنان که مسلک او درویشی و فقر بوده است، امر معاش او هم به پریشانی و فقر می‌گذشته، چنان که بسیاری از خطوط او که دیده شد، حواله یا قبضی بود به دگان دارها برای رفع حوایج یومیه، که از آن‌ها معلوم می‌شود در کمال سختی می‌گذرانده است. (ریاحی، ۱۳۹۶: ۲۹۱-۲۹۲؛ لطفی، ۱۳۹۰: ۵۰۴ - ۵۰۹؛ ذنبلی، ۱۳۴۹: ۴۹۹)

زیبایی خط او برای نگارش اشعار، شوق را در او به وجود آورد، و این یکی از علل گرایش خطاطان به ادبیات و شاعری است. حُسن خلق، فروتنی، درویشی و آزادمنشی مجید موجب محبوبیت وی در بین علما و شعرا گردید.

معاصران وی، آذر بیگدلی، هاتف و صهبا بودند و از شاگردانش در خط، شیخ رحیم مایل فراهانی بود.

بسیاری از تذکره‌ها و وفات عبدالمجید را در سال ۱۱۸۵ ق نوشته‌اند. اما از قطعه‌ای که آذر و رفیق در تاریخ فوت او گفته‌اند و بر سنگ قبرش نیز حک شده است، سال ۱۱۸۶ ق صحیح‌تر به نظر می‌آید. مزار وی در قبرستان کوچکی مقابل در ورودی تکیه میرفندرسی قرار دارد که به تکیه درویش عبدالمجید معروف است و بر روی آن تاریخ «یوم الاربعاء پانزدهم محرم الحرام سنه ۱۱۸۵» حک شده است (رقم آخر شکسته شده است و ناخوانا می‌باشد). (ریاحی، ۱۳۹۶: ۲۹۳)

علاوه بر آن که درویش عبدالمجید طالقانی را می‌توان نمونه‌ی والای شکسته‌نویسی در هنر خوشنویسی دانست، اشعار او نیز جایگاه ارزشمندی دارد. اشعار مجید، یک هزار و پانصد بیت است. دیوان او در دو نسخه، یکی متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه (گویا دانشگاه تهران) همراه با دیوان چند شاعر معاصر وی، چون نیازی و صهبا و نسخه دیگر به خط خوش در اوایل قرن سیزدهم هجری قمری توسط احمد سهیلی خوانساری انتشار یافته است.



نمونه‌از اشعار مجید:

ای دوست مرا در غم روی تو چه چاره  
نه طاقت نادیدن و نه تاب نظاره

امشب اگر ای ساقی گلچهره دهی می  
پنهان که مبادا نگرد چشم ستاره

ای شمع، شبی با من دل خسته به روزآر  
رفتم ز میان بی تو ز من چند کناره

تشریف وصالی ز کرم دلشده‌ای را  
کاو جامهٔ جان کرد به هجران تو پاره

(ریاحی، ۱۳۹۶: ۲۹۴)

### میرزا ابوالقاسم جاپلقلی (میرزای قمی)

از دیگر شخصیت‌هایی که مدت‌ها در مدرسهٔ حکیمیه (کاسه‌گران) به تعلیم و تعلم مشغول بود مرحوم میرزا ابوالقاسم معروف به میرزای قمی است. وی در سال ۱۱۵۱ ق در حوالی رشت متولد شد. پدرش (ملاحسن) از عالمان سرشناس شفت گیلان بود. پس از گذراندن مکتب و بهره‌مندی از محضر پدر راهی خوانسار شد و در درس برخی از عالمان آن دیار حضور یافت. بعد از آن عازم عتبات گردید و از محضر دانشمندانی برجسته مانند محمداقصر وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۸ ق) و محمداقصر هزارجریبی (متوفی حدود ۱۱۷۰ ق) استفاده نمود. پس از آن به قصد ترویج دین و ارشاد مردم به ایران بازگشت و به زادگاهش گیلان آمد، ولی به جهاتی از آنجا به اصفهان رفت و در مدرسهٔ کاسه‌گران مشغول تدریس شد و درس وی مورد توجه قرار گرفت. و درواقع به واسطهٔ وجود مرحوم میرزا، مدرسهٔ کاسه‌گران رونق خاصی یافت. میرزا مدتی در شیراز و سپس به قم رفت. از جمله شاگردان میرزا می‌توان سید محمدمهدی خراسانی (متوفی ۱۲۴۶ ق)، میرزا ابوطالب قمی (متوفی ۱۲۴۹ ق) و سید عبدالله کاظمینی شبر (۱۲۴۶ ق) را نام برد. (دایرة المعارف تشیع، ج ۱۵: ۵۸۰)

با ورود او به قم در مدت اندکی آوازه‌اش همه جا را گرفت. فتحعلی‌شاه از ارادتمندان او بود. میرزای قمی بارها به صورت شفاهی و کتبی وظایفش را به او یادآور شد. (دایرة المعارف تشیع، ج ۱۵: ۵۸۰ - ۵۸۱)

آثار علمی و فراوانی از وی برجای مانده است. قوانین الاصول مهم‌ترین و مشهورترین اثر

اوست که سال‌ها از کتاب‌های درسی طلاب در علم اصول بوده و بسیاری از علما بر این کتاب پرارزش حاشیه زده‌اند. برخی آثار دیگر وی عبارتند از: مرشد العوام در فقه فارسی، منابع الاحکام، جامع الشتات، غنائم الایام و منظومه‌ای در علم بدیع که دارای ۱۳۹ بیت می‌باشد. دیوان شعر به فارسی و عربی که نزدیک پنج هزار بیت شعر دارد. وی را پس از درگذشت در مقبره‌ای در قبرستان شیخان قم، مقابل مزار زکریابن آدم به خاک سپردند. (دایرة المعارف تشیع، ج ۱۵: ۵۸۰ - ۵۸۱؛ امین‌العالمی، بی تا، ج ۲: ۴۱۱)

### سید ابوالحسن طباطبایی (جلوه)

میرزا ابوالحسن طباطبایی از حکمای بنام شیعی در قرن سیزدهم هجری بود و چون در اشعار یا سروده‌هایش، جلوه تخلص می‌کرد به این نام مشهور شد. وی در سال ۱۲۳۸ ق در احمدآباد گجرات به دنیا آمد. نسبش با سی واسطه به امام حسن مجتبی (می‌رسد. جلوه از نوادگان حکیم معروف دوره صفوی، میرزا رفیع‌الدین نائینی (متوفی ۱۰۸۳ ق) بود. پدر جلوه، سید محمد طباطبایی، متخلص و معروف به مظهر، از پزشکان و ادبای اوایل دوره قاجار بود. وی در مدت حضور خود در هند جایگاه و موقعیت قابل‌اعتنایی داشت. (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۱ و ۲: ۴۱۹ - ۴۲۰؛ مهدوی، ۱۳۴۸: ۷۶؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰: ۵۸۸) جلوه پس از وفات پدرش راهی اصفهان گردید و در مدرسه کاسه‌گران اقامت گزید و پس از فراگیری مقدمات، به تحصیل علوم عقلی، الهی، طبیعی و ریاضی پرداخت. او تمام وقت خود را تحصیل می‌کرد. پس از ترک اصفهان راهی تهران گردید و در مدرسه دارالشفای سکونت نمود و بیش از چهار دهه در این نهاد آموزشی به تدریس حکمت، فلسفه، ریاضی و عرفان پرداخت. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱: ۵۸۸-۵۸۹)

میرزا ابوالحسن جلوه در طی تحصیل و فراگیری از استادان متعددی بهره‌مند شد که از جمله آن‌ها می‌توان از میرزا حسن نوری، ملا محمدجعفر لاهیجی، سید رضی لاهیجانی، میرزا حسن چینی و ملا عبدالجواد تونی خراسانی نام برد. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱: ۵۸۸-۵۸۹)

جلوه طی سال‌ها تدریس در اصفهان و تهران، شاگردان بسیاری را تربیت کرد. به ویژه در حوزه علوم عقلی، علما و حکمت‌شناسان و عرفای برجسته‌ای نزد جلوه پرورش یافتند که از آن جمله‌اند: میرزا حسن کرمانشاهی (متوفی ۱۳۳۶ ق)، میرزا شهاب‌الدین نیریزی شیرازی (متوفی ۱۳۲۰ ق)، میرزا محمدطاهر تنکابنی (متوفی ۱۳۶۰ ق)، آخوند ملا محمد هیدجی (متوفی ۱۳۳۹ ق)، آقا حسین بادکوبه‌ای (متوفی ۱۳۵۸ ق)، میرزا محمدعلی شاه



آبادی (متوفی ۱۳۶۹ ق)، ملا محمدکاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق). (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱: ۵۸۸-۵۸۹)

گفته شده جلوه دارای مناعت طبع و همت عالی بود، زاهدانه می‌زیست و با مردم به ندرت مراورده می‌کرد، به حلاوت و لطافت بیان و استواری اندیشه مشهور بود و نزد همگان محترم بود، با بزرگان فقها و رجال دولت روابط حسنه‌ای داشت. مرحوم جلوه معاصر حکیم صهبا (آقا محمدرضا قمش‌های) و آقا علی مدرس بود. پس از درگذشت آن دو حکیم عالی مقدار، تدریس علوم عقلی به مجلس درس جلوه منحصر شد. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱: ۵۸۹)

برخی آثار و نوشته‌های حکیم جلوه عبارتند از: ۱- حواشی بر شفای ابن سینا. ۲- رساله الحركة الجوهریه ۳- حاشیه بر کتاب المشاعر ملاصدرا ۴- رساله فی اتحاد العاقل و المعقول ۵- حواشی بر شرح اشارات ۶- حاشیه بر مبدء و معاد ملاصدرا ۷- حواشی بر اسفار اربعه ملاصدرا.

جلوه تا پایان عمر مجرد زیست و در سال‌های آخر عمر نابینا شد و در بستر بیماری افتاد و سرانجام به سال ۱۳۱۴ ق از دنیا رفت و در جوار مرقد ابن بابویه به خاک سپرده شد. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱: ۵۸۹-۵۹۱)

### میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی

از جمله برجستگان رجال نویسی معاصر ایران و شخصیت‌هایی که سالیان متمادی در مدرسه کاسه‌گران (حکیمیه) به مسائل علمی و ادبی پرداخت مرحوم میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی فرزند زین‌العابدین است. وی در سال ۱۳۰۸ ق در حبیب‌آباد برخوار اصفهان دیده به جهان گشود. او تحصیلات مقدماتی را در حبیب‌آباد و سپس ادامه آن و نیز فراگیری علوم دینی، ادبی را در حوزه علمیه اصفهان گذراند. سال‌های بسیاری در مدرسه کاسه‌گران اقامت و به تدریس در علوم ادبی (ادبیات) فارسی و عربی، تاریخ و نیز برخی دانش‌های دیگر مانند ریاضیات پرداخت. شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی از تعدادی فرهیختگان و علمای مبرز زمان خود اجازه روایت دریافت نمود که برخی از آنان عبارت بوده‌اند از: حاج میرزا رضا کلباسی، ملا محمدحسین مجتهد فشارکی، حاج شیخ محمدباقر بیرجندی، شیخ آقا بزرگ طهرانی، حاج سید محمدتقی یزدآبادی و نیز آقا شیخ محمدباقر بیرجندی. (ریاحی، ۱۳۸۶: ۲۹)

مرحوم معلم حبیب‌آبادی به عربی و فارسی هر دو شعر می‌گفت. در ابتدا تخلصش

«مستعصم» بود، سپس «آذر» و بعدها «معلم» را برای تخلص انتخاب نمود. در علم رجال و شرح حال بزرگان تتبع و تحقیق کرده و صاحب آثار متعددی در این زمینه بود، از جمله کتاب «مکارم‌الآثار» در احوال رجال دوره قاجار که پس از چهل تحقیق و پژوهش آن را نگاشت. در این اثر ارجمند شرح حال بسیاری از بزرگان و مشاهیر فرهنگی و سیاسی عصر قاجار به ترتیب سال شمار و تاکنون هشت مجلد آن به چاپ رسیده است. (ریاحی، ۱۳۸۵: ۳۵۹)

تألیفات و تتبعات دیگری نیز از معلم حبیب‌آبادی موجود بوده و هست از جمله: اربعین و امالی در موضوعات رجالی، رشحات سمائی در شرح حال شیخ بهاء‌الدین عاملی، مختصرالتواریخ، لئالی البحور، کشف الخیبه عن مقبرة الزینیه، عراضه اخوان، سفرنامه مختصرالمکارم، مجالس المؤمنین، الکلمات الجامعات و الکلمات العالیات (شامل فهرست‌های اعلام رجالی)، همچنین حاشیه بر روضات الجنات، حاشیه بر قصص العلماء، حاشیه بر تذکره‌القبور، حاشیه بر طریق البکاء و حواشی دیگر بر کتب رجالی، دیوان اشعار. همچنین وی ماده تاریخ‌های متعددی در وفات اغلب رجال معاصر سروده است. (ریاحی، ۱۳۸۶: ۴ - ۹)

مرحوم معلم حبیب‌آبادی مدت‌هایی بسیار نیز در کتابخانه و قرائت خانه شهرداری اصفهان منشأ خدمات و فعالیت‌های مثمرتری بود. مرحوم استاد جلال‌الدین همایی، شخصیت این بزرگمرد را مورد تجلیل قرار داده است. از جمله شاگردان معلم حبیب‌آبادی مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسن فقیه امامی (متوفی ۱۳۸۹ ش) بود. (ریاحی، ۱۳۸۶: ۳۵۰ - ۳۵۵)

سرانجام میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی پس از دهه‌های متمادی تلاش و مجاهدت در عرصه‌های تألیف و شاگردپروری به سال ۱۳۹۶ ق از دنیا رفت و در زادگاهش حبیب‌آباد برخوار به خاک سپرده شد.

### سید محمد محیط طباطبایی

روان شاد مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبایی به تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۲۸۰ شمسی در استان عالم پرور اصفهان و در حاشیه کویر یعنی بخش زواره و در خانواده‌ای فرهیخته دیده به جهان گشود. در طفولیت و اوان نوجوانی از تعلیمات پدرش بهره‌مند شد. پس از آن و جهت تحصیلات بیشتر راهی شهر اصفهان گردید و در مدرسه کاسه‌گران (حکیمیه) سکونت و به آموزش و تحصیل اشتغال یافت. پس از مدت‌ها حضور در این نهاد آموزشی و استفاده از مربیان و استادان مختلف، راهی تهران گردید و به فراگیری دانش ادامه داده و به تحصیل در رشته حقوق پرداخت، هرچند که وی به دلایلی به قضاوت نپرداخت و به



معلمی روی آورد که اتفاقاً در این مسیر همواره معلمی موفق و استادی توانا بود. او علاوه بر تدریس همواره تحقیق و پژوهش را در رأس فعالیت‌های خود قرار داده بود. (ریاحی، ۱۳۷۲: ۱۱۳)

اولین تحقیقات یا تتبعات استاد سید محمد محیط طباطبایی که در باب برخی از مشاهیر و یا بلاد دنیای اسلام بود هنوز نو و بی‌مانند است، مقالات متعددی که شاید شمار آن به چند صد مورد برسد. تعدادی از این مقالات در جراید، مجلات و یا روزنامه‌های معتبر ایران در طی سال‌های متمادی طبع و نشر گردید. و نیز حاصل برخی از این پژوهش‌ها بیش از دو دهه از طریق رادیو ایران و با گفتارهای ایشان پخش می‌شد. (ریاحی، ۱۳۷۲: ۱۱۳)

سعی او احیای فرهنگ ایران اسلامی و ستارگان آن در زمینه‌های مختلف بود. کارهای وی در باب فردوسی، سعدی، حافظ و یا امثال خیام، رازی و ابن سینا و نیز تحقیقاتی در شناخت آداب و رسوم و فرهنگ مسلمین ممتاز و ارزشمند است. او معتقد بود درباره تاریخ ایران در این سرزمین کم کار شده و محققان چندان قابل قبول وجود ندارد. در این باره می‌گوید: «من چهل سال تمام وقت صرف کردم که بعد از تشکیل دانشگاه، کلاس تاریخی در دانشگاه تشکیل بدهم چون تنها درسی که نه قبلاً و نه حالا و نه آینده در ایران، معلم نداشته و ندارد درس تاریخ است». (ریاحی، ۱۳۷۲: ۱۱۳-۱۱۲)

استاد محمد محیط طباطبایی علاوه بر ارائه مقالات و چاپ آن از طریق جراید و مجلات، خود مدتی اقدام به طبع مجله‌ای به نام «محیط» نمود. در همان زمان نیز مقالات او نه تنها در بسیاری جهات مورد قبول خواص بود، بلکه از بسیاری محققان صاحب نام و مدعی و افراد با اسم و رسم و خارج رفته و غیره برتر و بالاتر بود.

او با پی‌گیری دقیق برخی مسائل، اشتباهاتی که درباره افرادی چون خیام به عنوان شاعر و رباعی گوی مطرح بود را اصلاح و او را ریاضی‌دان برجسته‌ای معرفی نمود. از این قبیل کارهای آن مرحوم زیاد است از جمله در باب «نوروزنامه» و «گنبد هارونیه». مرحوم محیط در این باره هم گفته: نخستین محلی را که به نام گنبد هارونیه معروف است نشان داده‌ام. (ریاحی، ۱۳۷۲: ۱۱۲)

مرحوم محیط علاوه بر تسلط کافی و قابل توجه بر جنبه‌های ادبی زبان مادری، به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسوی نیز تسلط داشت و یا در جهت نیل به مقصودی چون بررسی آثار تمدن اسلامی و حتی قبل از اسلام به زبان‌های اوستایی، پهلوی، خوارزمی و

سربانی نیز احاطه داشت. به هر حال تلاش مداوم او بیش از نیم قرن در بررسی و احیای ویژگی‌ها و جوانب فرهنگ و تمدن ایران و اسلام ستودنی است. (ریاحی، ۱۳۷۲: ۱۱۳)

محمد محیط طباطبایی در روز سه شنبه بیست و هفتم مردادماه سال ۱۳۷۱ شمسی در سن نودسالگی در تهران درگذشت. پیکر او طبق وصیت در برج طغرل در مجاورت ابن بابویه در شهر ری دفن شد.

### شیخ عباسعلی ادیب

آیت الله شیخ عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی فرزند جعفر و متولد به سال ۱۳۱۵ هجری قمری در حبیب‌آباد برخوار اصفهان است. وی از علما و دانشمندان معنوی شهر اصفهان در دوره اخیر بوده است که سال‌های بسیاری را در مدرسه علمی کاسه‌گران (حکیمیه) چه به تحصیل یا به تدریس اشتغال داشته است. ایشان از استادان صاحب نام و متبحری مانند علامه شیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی اصفهانی، میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی (مؤلف مکارم‌الآثار) و سید مهدی درچه‌ای بهره برد، از برخی مشایخ و مجتهدین معروف و مبرز مانند سید محمد نجف‌آبادی، سید حجت کوه‌کمری و شیخ محمدحسین فشارکی اجازه گرفت که بعضی مورد تنفیذ مرجع بزرگ مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (مدیسه‌ای) نیز واقع شد. (ریاحی، ۱۴۰۱، ج ۳، ۱۳۵)

مرحوم ادیب در رشته‌های مختلفی صاحب نظر و استاد مسلم در دانش‌های فقهی، اصولی و ادبی بود. همچنین تخصص ویژه‌ای در علوم ریاضی، هیئت و نجوم داشت. آثار و تألیفات متعددی از جمله «رساله قطبیه» و «احسن التقویم» از وی برجای مانده است. کتاب «هدیه العباد» شرح حال و آثار صاحب بن عباد نیز از ایشان می‌باشد. وی از جمله شخصیت‌های معنوی تأثیرگذار در دهه‌های گذشته منطقه طوقچی بوده است. از خدمات او احیاء و ایجاد برخی مراکز معنوی و عام المنفعه و مرمت و احداث بقعه و مسجد صاحب بن عباد است.

وفات این عالم ربانی روز پنجشنبه دوم ذی حجه سال ۱۴۱۲ ق برابر چهاردهم خردادماه سال ۱۳۷۱ ش روی داد و در جوار مقبره صاحب بن عباد در محله طوقچی مدفون گردید.



## نتیجه‌گیری

۱ - مدرسه کاسه گران که به واسطه ایجاد و یا احداث آن توسط سید محمدمهدی طباطبایی اردستانی معروف به «حکیم الملک» به «حکیمیه» شهرت یافت، بر روی ویرانه‌های یکی از مدارس عهد ایلخانی اصفهان به نام مدرسه شمسیه (سید شمس الدین محمد حسینی یزدی) ایجاد گردیده و در یکی از قدیمی‌ترین مراکز جمعیتی اصفهان واقع شده است.

۲ - حکیم الملک که خود از اطباء متبحر و حاذق و شخصیت‌های مؤثر ایرانی در هند بوده به واسطه ثروت بسیار خود در ایران به ویژه اصفهان و اردستان منشأ خدمات بسیاری شد به طوری که بانی آثار و ابنیه عام المنفعه گردید که یکی از آن‌ها مدرسه کاسه گران (حکیمیه) بود.

۳ - مدرسه کاسه گران از حیث فضا و معماری از جمله زیباترین و شکیل‌ترین نهادهای آموزشی اصفهان به شمار آمده است. این مدرسه از جهت وسعت و تزیینات جالب توجه و نیز دارای حجره‌های بسیار است. معمولاً از عصر صفوی یا احداث آن، تاکنون هم مورد استفاده اهل علم به ویژه طلاب علوم دینی بوده است.

۴ - شخصیت‌هایی شاخص به ویژه رجال مذهبی و نیز مشاهیر هنری و ادبی از جمله ساکنین و یا دانش آموختگان این نهاد آموزشی بوده‌اند که از جمله می‌توان میرزای قمی فقیه مشهور و مبرز عصر قاجار و یا معلم حبیب آبادی مؤلف «مکارم الآثارم اشاره نمود.

۵ - گستردگی موقوفات و اهمیت وقف برای واقف یا مؤسس از اصلی‌ترین دغدغه‌های بانی مدرسه کاسه گران بوده است. متن وقف نامه توجه خاصی نسبت به قرار دادن پشتوانه‌های مالی را نشان می‌دهد و در این راستا مصارف وقف را هم مقرر نموده و همچنین بدین واسطه تولیت را مشخص کرده‌اند. از جمله تنفیذکنندگان این وقف نامه شخصیتی برجسته و عالم مشهور آن زمان مرحوم علامه محمدباقر مجلسی مؤلف دایرة المعارف بزرگ شیعه (بحارالانوار) بوده است.

۶ - امروزه نیز کاربری مدرسه کاسه گران (حکیمیه) پس از تعمیراتی که بیش از دو دهه پیش در این نهاد آموزشی صورت گرفت حفظ شده و محلی برای حضور طلاب و پژوهشگران، فضاهای درسی، تعلیم و تدریس، مباحثات علمی و اسکان و اقامت است به ویژه این که تعداد قابل توجهی از طلاب خارجی (جامعة المصطفی العالمیه) در آنجا سکونت دارند.

## کتابنامه

- احمدی، نُزْهت، (۱۳۹۰)، *در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- امین‌العاملی، سید محسن، (بی تا)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ایمانی، مجتبی، (۱۳۵۵)، *تاریخ فرهنگ اصفهان*، اصفهان: چاپ و انتشارات دانشگاه اصفهان.
- جابری انصاری میرزا حسن خان، (۱۳۳۱)، *تاریخ اصفهان وری*، تهران: عمادزاده.
- چاندپوری، سید علی کوثر، (۱۳۹۲)، *اطبای عهد مغول (تاریخ پزشکی ایران در هند اسلامی)*، ترجمه سیده جلیله شهیدی، تهران: نشر چوگان.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۵)، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۰، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۴)، *دایرة المعارف تشیع*، ج ۱۵، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
- ذنبلی، عبدالرزاق بیگ، (۱۳۴۹)، *تجربة الاحرار و تسلیة الابرار*، تصحیح حسن قاضی طباطبایی، تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، (۱۳۵۲)، *آثار ملی اصفهان*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، (۱۳۶۷)، *تاریخ اردستان*، ج ۱، به کوشش محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: دهخدا.
- ریاحی، محمدحسین و محمدعلی چلونگر، (۱۳۸۵)، *ادیب ماندگار*، اصفهان: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل.
- ریاحی، محمد حسین، (۱۳۷۲)، *آئین فرزادگی*، ج ۲، ستاد بزرگداشت مقام معلم استان اصفهان، اصفهان: اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، *ره آورد ایام*، اصفهان: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، *معلم مکارم* (بزرگداشت علامه فرزانه محمدعلی معلم حبیب‌آبادی)، اصفهان: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۶)، *فروغ ادب* (یکصد چهره نام‌آور تاریخ ادب اصفهان)، اصفهان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۰)، *نگین اصفهان*، ج ۲ (محلله‌های شهشهان، سنبلستان و سرچشمه)، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۱)، *نگین اصفهان* (محلله‌های جوباره و سرتاوه)، ج ۳، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- لطفی، علی رضا، (۱۳۹۰)، *تذکره شعرای تخت فولاد اصفهان*، اصفهان: مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد.
- مدرس تبریزی، محمدعلی، (۱۳۶۹)، *ریحانة الادب*، تهران: انتشارات خیام.
- ملازاده، کاظم، (۱۳۸۱)، *دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران* (مدارس و بناهای مذهبی)، ج ۵، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- مهدوی، سید مصلح‌الدین، (۱۳۴۸)، *دانشمندان و بزرگان اصفهان* (تذکره القبور)، اصفهان: ثقفی.
- مهدوی، سید مصلح‌الدین، (۱۳۸۶)، *اصفهان دارالعلم شرق*، تحقیق و اضافات محمدرضا نیلفروشان، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- هنرفر، لطف‌الله، (۱۳۵۰)، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، اصفهان: انتشارات ثقفی.